



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 17 Issue: 46
Spring 2026

Pages: 125-157

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2026.70.187.2611

Received: 2025/11/08 Received in revised form: 2026/04/30 Accepted: 2026/05/19 Published: 2026/06/15

The Impact of the Activities of the Houses of Equity on the Social Conditions of Villages in Bushehr during the Reign of Mohammad Reza Pahlavi (1963-1978)

Zekrollah Mohammadi¹| Tayebbeh Edrisi²

Abstract

Participatory approaches, as a fundamental basis for social transformation, can be traced in Iran to the period following the Constitutional Revolution. As part of the structural reforms introduced under the White Revolution during the reign of Mohammad Reza Shah, a new institution known as the House of Equity (*Khāneh-ye Ensāf*) was established under Article IX of the reform program. Its primary objective was to replace the traditional system of local dispute resolution, which relied largely on mediation by village elders, with a semi-judicial institution based on the direct participation of villagers. Despite its innovative character and social significance, the impact of this institution on the social structures of villages with deeply rooted local traditions has received insufficient scholarly attention. Accordingly, this study examines the role of the Houses of Equity in shaping the social dynamics of villages in Bushehr Province, a region characterized by traditional social hierarchies and the influence of landowners, from the implementation of Article IX until the end of the Pahlavi era. The central research question concerns the extent to which the Houses of Equity affected such aspects of rural social life as local dispute resolution, the erosion of traditional authority, and the development of legal awareness. The study hypothesizes that the participatory and elective nature of these institutions contributed significantly to reducing local disputes, weakening traditional power structures, and enhancing villagers' awareness of their legal rights. Adopting a qualitative research design, the study draws on oral-history interviews with former members and local informants, as well as archival sources, including official documents and government correspondence. The collected data were examined through historical and thematic analysis to assess the social consequences of the Houses of Equity in rural Bushehr. The findings indicate that, in addition to enhancing villagers' awareness of individual rights, the Houses of Equity fostered collective participation in the resolution of local disputes and broader community affairs.

Keywords: House of Equity; White Revolution; rural dispute resolution; legal awareness; Bushehr; Pahlavi era.

1. Associate Professor, Department of History, Alzahra University, Tehran, Iran

(Corresponding Author)

2. PhD in Islamic History, Alzahra University, Tehran, Iran

ze.mohammadi@alzahra.ac.ir

tayebeedrisi@yahoo.com



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com



تأثیر فعالیت‌های خانه انصاف بر وضعیت اجتماعی روستاهای بوشهر در

دوره محمد رضا پهلوی (۱۳۴۲-۱۳۵۷)

ذکراله محمدی^۱ طیبه ادریسی^۲

چکیده

مشارکت‌محوری به‌عنوان بستر اصلی دگرگونی اجتماعی، ریشه‌های تاریخی خود را در ایران پس از مشروطه جستجو می‌کند. در راستای اصلاحات ساختاری انقلاب سفید در دوره محمد رضا شاه، نهاد «خانه انصاف» براساس اصل نهم این برنامه تأسیس شد. هدف از ایجاد این نهاد، جایگزینی سازوکار دادرسی سنتی-محلی (متکی بر ریش‌سفیدی) با یک نظام نیمه‌قضایی رسمی و با حضور مستقیم روستاییان بود. با وجود اهمیت این نهاد نوگرایانه، تأثیر آن بر ساختار اجتماعی روستاهای دارای سنت قوی، مورد واکاوی کافی قرار نگرفته‌است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر نقش خانه‌های انصاف در وضعیت اجتماعی روستاهای استان بوشهر (به‌عنوان یک نمونه موردی با ساختار سنتی و نفوذ مالکان) در بازه زمانی اجرای اصل نهم تا پایان دوره پهلوی را بررسی می‌کند. سؤال اصلی پژوهش آن است که فعالیت خانه‌های انصاف بر ابعاد اجتماعی نظیر دادرسی محلی، تضعیف نهادهای سنتی و ارتقاء آگاهی‌های حقوقی چه تأثیری داشته‌است؟ در این پژوهش داده‌ها به‌صورت کیفی، از طریق روش‌های تاریخ شفاهی (مصاحبه با اعضا و مطلعین محلی) و اسنادی و کتابخانه‌ای (بررسی اسناد آرشیوی و مکاتبات دولتی) گردآوری شده‌است. درنهایت، تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از تحلیل تاریخی و مضمونی، به‌منظور تبیین پیامدهای اجتماعی عملکرد خانه‌های انصاف در جامعه روستایی بوشهر، صورت گرفته‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خانه‌های انصاف، اگرچه نهادی کاملاً ریشه‌دار و مستقل نبودند، اما توانستند در بلندمدت، آگاهی حقوقی روستاییان را افزایش دهند، مشارکت اجتماعی را تقویت کنند، از شدت اختلافات محلی بکاهند و زمینه‌های تضعیف تدریجی ساختارهای قدرت سنتی را فراهم آورند. این نتایج حاکی از آن است که خانه‌های انصاف در روستاهای استان بوشهر، نقشی فراتر از یک نهاد اداری ایفا کرده و به‌عنوان عامل تغییر اجتماعی تدریجی در بستر جامعه‌ای سنتی عمل کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: خانه انصاف، انقلاب سفید، وضعیت اجتماعی، بوشهر، پهلوی.

ze.mohammadi@alzahra.ac.ir
tayebedrisi@yahoo.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲. دکتری تاریخ اسلامی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران



مقدمه

با مطالعه و بررسی تاریخ می‌توان به این دیدگاه رسید که ازجمله وظایف و اهداف اصلی بسیاری از سلسله‌های حاکم بر ایران، عدالت‌خواهی و مهیا نمودن امنیت اجتماعی و همچنین اهمیت دادن به حقوق مردم جامعه بوده و پیرو همین امر، می‌توان گفت که ایجاد و تأسیس نهاد و سازمان‌های دادرسی و دادگستری بخش مهمی از این اهداف اجتماعی حکومت‌ها را در آن دوره زمانی تشکیل می‌داده‌است. درکل، ادعای عدالت‌خواهی حکومت‌ها در ایران، همواره یکی از مبانی لازم جهت کسب مشروعیت ملی بوده‌است. در دوره قاجار، تلاش‌هایی برای سامان‌دهی نهاد دادرسی، از تأسیس دیوان‌خانه توسط عباس میرزا تا ارتقاء آن به عالی‌ترین مرجع قضایی توسط اصلاح‌گرانی چون قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر صورت پذیرفت. با وجود این، کاستی‌های ساختاری در امر دادرسی همچنان پابرجا بود تا اینکه انقلاب مشروطه و متعاقباً قانون تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۲۹ق، سرآغاز استقرار نهاد عدلیه مدرن گردید (مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، بی‌تا: ۳۳).

در دوره محمدرضا پهلوی، این روند اصلاحات در نهاد قضایی ادامه یافت و دکتر مصدق نیز ازجمله شخصیت‌هایی بود که برای اصلاح این تشکیلات، تلاش بسیار وافر نمود. هرچند با تبعید ایشان این برنامه ناتمام ماند (زرنگ، ۱۳۸۱: ۱۰۰). نقطه عطف در تمرکز اصلاحات قضایی بر لایه‌های اجتماعی پایین‌تر، ظهور طرح انقلاب سفید بود. اصل نهم این برنامه، مستقیماً به اصلاحات حوزه دادگستری باهدف تسریع در امر دادرسی روستایی پرداخت. این اصل منجر به تأسیس نهاد «خانه‌های انصاف» گردید؛ سازوکاری که با به‌کارگیری نیروهای بومی و منتخب خود روستاها، تلاش داشت ساختار قضایی رسمی را به اقصى نقاط کشور گسترش دهد. استان بوشهر به‌دلیل ویژگی‌های خاص جمعیتی و ساختار سنتی غالب، نمونه‌ای شاخص از اجرای این طرح در مناطقی بانفوذ قدرت‌های محلی بود که در آن خانه‌های انصاف فعالیت خود را آغاز کردند.

بررسی چگونگی عملکرد نهادهای مؤثر بر ساختار قدرت محلی از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش، مشخص ساختن تأثیر فعالیت‌های خانه انصاف بر

وضعیت اجتماعی و حل‌وفصل اختلافات در روستاهای استان بوشهر در دوره محمدرضا شاه است. بر این اساس، فرضیه اصلی شکل می‌گیرد که مردمی بودن و مشارکت مستقیم روستاییان در نهاد خانه انصاف، منجر به افزایش کارایی نسبی و تغییر در موازنه قدرت اجتماعی محلی شده‌است. روش‌شناسی تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد تاریخی-تحلیلی استوار است. داده‌های موردنیاز از طریق دو مسیر اصلی گردآوری می‌گردند: الف) تاریخ شفاهی و تحقیقات میدانی (مصاحبه با اشخاص مطلع و بازماندگان)؛ و ب) اسناد مکتوب (مکاتبات اداری و گزارش‌ها محلی). تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تاریخی انجام خواهد شد تا تأثیرات بلندمدت این نهاد بر بافت اجتماعی منطقه ارزیابی گردد.

سؤال اصلی پژوهش آن است که فعالیت خانه‌های انصاف بر ابعاد اجتماعی (نظیر دادرسی محلی، تضعیف نهادهای سنتی و ارتقاء آگاهی‌های حقوقی) چه تأثیری داشته‌است؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که ماهیت مردمی و انتخابی بودن اعضای خانه‌های انصاف، به تأثیر قابل‌توجه و ملموسی در کاهش اختلافات محلی، تضعیف نفوذ ساختار قدرت سنتی و ارتقاء آگاهی‌های حقوقی روستاییان بوشهر منجر شده‌است.

۱. پیشینه پژوهش

خانه‌های انصاف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابتکارات قضایی محمدرضا شاه در راستای بومی‌سازی و تحقق عدالت نسبی در مناطق روستایی، موردتوجه پژوهش‌های حقوقی و تاریخی قرار گرفته‌است. با وجود این، ادبیات موجود عمدتاً بر تحلیل‌های کلان یا مطالعات منطقه‌ای متمرکز بوده و خلأ مطالعاتی به‌طور محسوسی قابل‌مشاهده است. پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد:

- تحلیل نظری و تطبیقی: آثاری نظیر تحقیق رضا بیگدلو با محوریت «خانه‌های انصاف؛ نوسازی قضایی یا بازگشت به سنت‌های دادرسی» (بیگدلو، ۱۳۹۹)، چارچوب نظری و تضاد پارادایمیک حاکم بر این نهاد (تقابل میان مدرنیزاسیون قضایی دولت و حفظ ریشه‌های سنتی دادرسی محلی) را به‌دقت واکاوی کرده‌است. این دسته از تحقیقات، مبانی نظری شکل‌گیری نهاد مذکور را تبیین می‌نمایند.

• مطالعات منطقه‌ای متمرکز: پژوهش‌هایی همچون اثر ذکرالله محمدی و فریده فرزی (۱۳۹۸) بر «چگونگی شکل‌گیری و عملکرد خانه انصاف اصفهان» و همچنین اثر مهدی شهلا تحت عنوان «خانه انصاف»، به بررسی موردی این نهاد در مناطق خاص پرداخته‌اند. این مطالعات، مدل‌های عملیاتی و ساختارهای اجرایی را در بافت‌های متفاوت روشن می‌سازند.

• بررسی تأثیرات اجتماعی: تحقیقاتی با رویکرد تطبیقی، مانند بررسی محمدرضا حافظ‌نیا اسماعیل پارسایی و حسین پورپویان در خصوص تأثیر نهادهای محلی بر مشارکت شهروندی، با عنوان «بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: خانه انصاف و شورای حل اختلاف)» در سال ۱۳۹۰، نقش نهادهای قضایی خرد را در ابعاد اجتماعی موردسنجش قرار داده‌اند.

با وجود غنای منابع فوق در ترسیم روند تاریخی ایجاد و عملکرد عمومی خانه‌های انصاف در ایران، یک شکاف تحقیقاتی بنیادین در مورد عملکرد این نهاد در منطقه بوشهر به قوت خود باقی است. ساختار اقتصادی (وابستگی به شیلات و کشاورزی محدود)، بافت جمعیتی (کوچ‌نشینی و یکجانشینی)، و ویژگی‌های فرهنگی خاص منطقه جنوب ایران، زمینه‌ای فراهم می‌آورد که فرضیه کارکرد عمومی خانه‌های انصاف در آن با تردیدهایی مواجه باشد. از این رو، ضرورت تحقیق مبتنی بر مطالعه موردی روستاهای بوشهر احساس می‌شود؛ زیرا تنها با تمرکز بر این منطقه است که می‌توان به‌طور دقیق پاسخ داد: آیا مکانیسم‌های دادرسی خانه انصاف توانسته‌اند در مواجهه با ساختارهای حل اختلاف ریشه‌دار محلی، جایگاه خود را تثبیت کنند یا صرفاً یک ساختار اداری تحمیلی و فرمایشی باقی ماندند؟ این رویکرد موردی، به غنای دانش موجود در زمینه تاریخ قضایی ایران کمک شایانی خواهد کرد و از کلی‌گویی پرهیز نموده و به ابعاد منطقه‌ای عدالت در دوره پهلوی می‌پردازد.

۲. بحث و تحلیل

۱.۲. روند فعالیت نهادهای دادرسی و قضایی محلی

در پی اجرای برنامه اصلاحات ارضی و تحول بنیادینی که در نظام مالکیت کلان ایجاد شد و همچنین با توجه به اهداف برنامه تقسیم اراضی و کمک‌های فنی و حمایتی به کشاورزان جهت افزایش تولید و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان، ایجاد یک دگرگونی در فرایند دادرسی روستاها امری ضروری بود (افشار، ۱۳۴۷: ۱۱)؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین تحولات صورت گرفته در جریان انقلاب سفید و اجرای اصلاحات ارضی، تأسیس و فعالیت چشمگیر خانه‌های انصاف در مناطق روستایی کشور بود. البته ناگفته نماند که در مسیر اجرایی شدن این برنامه اصلاحی دولت پهلوی با رکود اقتصادی و اجتماعی شدیدی نیز مواجه گردید، اما با جذب سرمایه‌های خصوصی بر این مشکلات فائق آمدند (سجادی و دیگران، ۱۴۰۴: ۱۱۸). پیش از بررسی چگونگی تأسیس و سازوکار خانه انصاف، لازم است نگاهی به پیشینه نظام قضایی و دادرسی در ایران انداخته شود. نظام دادرسی ایران دارای پیشینه‌ای تاریخی است و ریشه در آداب و سنن تاریخی و اجتماعی جامعه ایران دارد. نظام دادرسی ایران به دو دسته شرعی و عرفی تقسیم می‌شد؛ این دوگانگی را می‌توان تا دوران ساسانیان در منابع تاریخی مرتبط ریشه‌یابی کرد (ویسپوهنر، ۱۳۷۷: ۸۲). ساختار قضایی دوگانه پس از ورود اسلام نیز تداوم یافت و تقریباً از دوره صفوی تا پیروزی انقلاب مشروطه، ساختار و عملکرد این نهادها شباهت‌های بنیادینی داشت (زندیه، ۱۳۹۲: ۱۷).

در دوره‌های مختلف، به‌عنوان نمونه، از صفویه و قاجار در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه در نواحی روستایی و ایلی، نظام قضایی از نوعی خودسامانی درونی و چندسطحی برخوردار بود. در این ساختار، حاکمان ایالتی عالی‌ترین مقام قضایی در قلمرو خویش به شمار می‌رفتند و اتخاذ تصمیم در دعاوی مهم یا منازعات منطقه‌ای را بر عهده داشتند. افزون بر آنان، گروهی از صاحب‌منصبان محلی و شهری همچون رئیس شهر، کلانتر، کدخدا، رؤسای اصناف، نقیب‌الاشراف و نقیب‌السادات در رسیدگی به بخشی از دعاوی و تخلفات اجتماعی نقش مستقیم ایفا می‌کردند (لمبتون، ۱۳۷۲: ۸۲). در کنار این ساختار رسمی، شاردن یادآور

می‌شود که مردم غالباً از مراجعه به نظام‌های قضایی رسمی پرهیز داشتند و ترجیح می‌دادند اختلافات و منازعات خود را از طریق سازوکارهای غیررسمی درون اجتماعی نظیر خانواده، محله، صنف، یا در حضور رؤسای قبایل و ریش‌سفیدان حل‌وفصل کنند. این شیوه نشان‌دهنده غلبه فرهنگ میانجی‌گری و داوری محلی بر نظام قضایی رسمی و نیز تداوم ساخت اجتماعی مبتنی بر اعتماد شخصی و همبستگی خرد در جوامع ایرانی است (شاردن، ۱۳۴۵: ۷۷).

در دوره قاجار، دادخواهی از طریق پناه بردن و بست‌نشینی به شخص شاه یا افراد مورد اعتماد او، یک شیوه رایج بود. حتی بست‌نشستن در اسطبل سلطنتی نیز معمول بود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۱: ۲۶۸). در دوران فتحعلی‌شاه، دیوان‌خانه با حضور سه عضو غیرروحانی و یک عضو روحانی تأسیس شد. در دوره محمدشاه و صدارت میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، دیوان عدالت با ریاست امیر دیوان تشکیل گردید (ورهرام، ۱۳۶۷: ۳۴۵). ناصرالدین‌شاه نیز برای نخستین بار دارالشورای دولتی را تشکیل داد و جعفرخان مشیرالدوله را به ریاست آن منصوب کرد. در ساختار این دارالشورا، وزارت عدلیه و عیادت‌خانه معتمدالدوله جانشین به‌عنوان وزیر عدلیه منصوب شد. با این حال، این مقام عمده‌تأثیراتی بود و امر قضاوت همچنان در حیطه اختیار روحانیون باقی ماند (محیط طباطبایی، ۱۳۵۰: ۵۶). پس از ترور ناصرالدین‌شاه، این دارالشورا نیز منحل شد و وظیفه دادخواهی و قضاوت مجدداً به دست روحانیون، ریش‌سفیدان، رؤسای عشایر و کدخدایان افتاد.

در عصر پهلوی اول، گام‌هایی برای اصلاح نظام قضایی برداشته شد که مقدمه‌ای برای تشکیل خانه‌های انصاف به شمار می‌آیند. به‌موجب قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب سال ۱۳۰۷. ش، اجازه تأسیس «محاکم صلح» در شهرها، قصبات و بلوکات صادر گردید و در برخی مناطق و بخش‌های بزرگ، دادگاه‌های بخش یا «صلحیه» تأسیس شد. رئیس دادگاه بخش به جانشینی بازپرس، اختیار رسیدگی و اظهارنظر در کلیه امور کیفری حوزه صلحیه را داشت. در مردادماه سال ۱۳۰۹. ش، قانون «مأمورین صلح» به تصویب رسید و آن‌ها که توسط وزیر دادگستری از بین بخشداران انتخاب می‌شدند، صلاحیت رسیدگی به امور حقوقی محدود و امور خلافی و کیفری را یافتند (راستین، ۱۳۴۷: ۳).

به‌منظور رفع نارسایی‌های قضایی در مناطق دورافتاده و ایلانی کشور، از دوره پهلوی اول اقدامات اصلاحی چندی صورت گرفت. ازجمله، تصویب «قانون امور قضایی و اداری لرستان» در تیر ۱۳۱۲ که امکان تشکیل دادگاه‌های سیار را فراهم ساخت (حاجی کریم‌خانی، ۲۵۳۶: ۳۸). در ادامه، لایحه قانونی ۳۰ بهمن ۱۳۳۵ نیز ایجاد دادگاه‌های سیار برای رسیدگی به دعاوی ساکنان مناطق مرزی را مجاز دانست (شریف، ۱۳۴۳: ۱۹). این محاکم با تشخیص رئیس دادگاه هر منطقه و با تشریفات حداقلی و خدمات رایگان به دعاوی کیفری و مدنی رسیدگی می‌کردند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۳۷). همچنین در آذر ۱۳۳۵ هیئت‌های قضایی عشایر تأسیس و قوانین آن در سال ۱۳۳۷ تصویب شد. این هیئت‌ها در مناطق اسکان‌یافته عشایر، با ترکیب سه قاضی مجرب و بر پایه روش‌های کدخدامنشانه و عرفی به حل‌وفصل دعاوی می‌پرداختند؛ اقدامی که نشان‌دهنده تلاش دولت برای هماهنگی میان عدالت رسمی و سنت‌های محلی در بستر نظام قضایی مدرن ایران بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، مجموعه قوانین و مصوبات سال ۱۳۳۷). با وقوع انقلاب سفید سال ۱۳۴۱، الغای رژیم ارباب و رعیتی و تأسیس نهادهایی چون سپاه دانش، سپاه آبادانی و سپاه بهداشت، محمدرضا پهلوی با هدف برقراری عدالت اجتماعی در روستاها، خواستار تشکیل خانه‌های انصاف در سراسر کشور شد.

۲.۲. تشکیل خانه انصاف در دوره محمدرضا شاه

انقلاب سفید مجموعه اصول نوزده‌گانه اصلاحات دولت پهلوی در دهه ۱۳۴۰ بود که با دو هدف هم‌زمان دنبال می‌شد: غلبه بر چالش‌های ساختاری داخلی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) و کسب مشروعیت بین‌المللی از طریق نمایش رهبری متمدنی (با تأکید بر فشار خارجی آمریکا) (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). شاه، این برنامه را محور اصلی حکمرانی خود قرار داد و آن را مبتنی بر سنت‌های ایرانی و اصول اسلامی عدالت (مانند منشور کوروش و سیره علی(ع)) توجیه کرد تا بتواند یک‌باره به «استثمار و بی‌عدالتی» پایان دهد (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۳).

در حوزه قضایی، این رویکرد منجر به انقلاب اداری شد که هدف آن همسوسازی قوانین و تشکیلات با آرمان‌های انقلاب سفید و استانداردهای متمدنی جهانی بود (زرنگ،

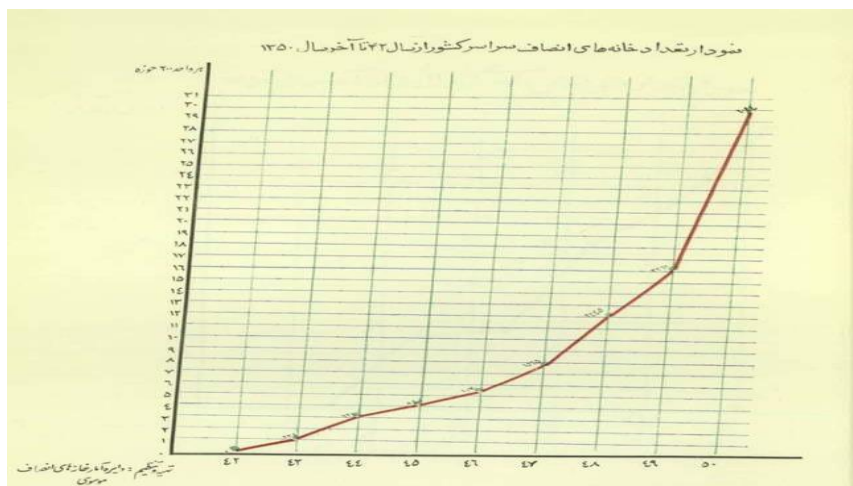
۱۳۸۱: ۱۵۴). در این بستر، خانه‌های انصاف، تبدیل به کانون اصلاح قضایی شدند. منطق تشکیل آن‌ها مبتنی بر این واقعیت بود که اکثریت جمعیت (روستاییان و ایلات) به دلیل فاصله جغرافیایی، سواد پایین و عدم آشنایی با رویه‌های رسمی، از دسترسی مؤثر به عدالت محروم بودند (وثوقی، ۱۳۶۸: ۱۸۹). لذا، خانه‌های انصاف تلاشی برای ادغام قاعده‌مندی حقوقی مدرن با روش‌های سنتی محلی دادرسی (با تأثیرپذیری احتمالی از مدل‌هایی چون دادگاه‌های محلی فرانسه) جهت تسهیل دسترسی به عدالت در مناطق روستایی بود (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۱۰۸)، و نیز نمونه‌های مشابه در کشورهای کمونیستی مانند شوروی (دادگاه «رفقا») و همچنین دادگاه‌های بومی در هند («پنجایات») و پاکستان («جرگه») (فتحی‌پور، ۱۳۴۲: ۸۶).

درمجموع، خانه‌های انصاف با هدف خروج اصل اجرای عدالت از پیچیدگی‌های ساختاری و ارائه آن به ساده‌ترین شکل ممکن برای حل اختلافات روستایی ایجاد شدند و از اتلاف وقت و صرف هزینه‌های بالای روستاییان برای احقاق حق جلوگیری می‌کردند (گزارش دولتی، وزارت دادگستری، ۱۳۴۷: ۲). این نهاد از پنج عضو تشکیل می‌شد که برای مدت سه سال از سوی مردم روستا انتخاب می‌شدند. وظیفه اصلی آن‌ها حل و فصل دعاوی کوچک روستایی، قبل از تبدیل شدن به اختلافات بزرگ‌تر، به صورت کدخدامنشانه، بدون هزینه و تشریفات و در اسرع وقت بود (روزنامه رستاخیز، شماره ۲۲۴، ۱۳۵۶: ۱۰). اختلافات رایج معمولاً شامل مواردی نظیر درگیری بر سر نوبت آب، ورود چهارپایان به مراتع همسایه یا اختلاف بر سر مرز زمین کشاورزی بود (حسینی جیلانی، ۱۳۶۲: ۱۴).

قانون تشکیل خانه انصاف ابتدا به صورت لایحه قانونی مورخ ۱۳۴۲/۰۵/۱۲ در ۳۰ ماده تدوین شد. اجرای طرح تشکیل و فعالیت خانه انصاف به مدت یک سال دچار وقفه شد که این امر ناشی از استعفای دکتر باهری، رئیس دادگستری و مجری اصلی طرح در سال ۱۳۴۲، و عدم پیگیری توسط جانشین او بود. در سال ۱۳۴۳، به فرمان محمدرضا پهلوی و پیگیری مجدد دکتر باهری، توسعه خانه‌های انصاف در اولویت کاری وزارت دادگستری قرار گرفت (ساکما، ۳۴۰/۶۱۸۸/۰۶). درنهایت، دولت لایحه‌ای جدید و جامع را به تصویب مجلسین رساند. این قانون جدید حدود صلاحیت خانه‌های انصاف را در امور حقوقی و

کیفری افزایش داد. نخستین قانون کامل و متقن خانه انصاف در تاریخ ۲۵/۲/۱۳۴۴ طرح و در خردادماه همان سال برای اجرا به دولت ابلاغ شد (روزنامه رستاخیز، شماره ۲۲۴، ۱۳۵۴: ۱۲). این نهاد به‌عنوان یک ضرورت در روستاها به شمار می‌آمد و گزارش‌ها نشان از اثرات مهم آن در جلوگیری از درگیری در جامعه روستایی داشت (روزنامه رستاخیز، شماره ۲۲۴، ۱۳۵۴: ۱۳).

پس از تصویب قانون و مفاد نهایی خانه انصاف توسط مجلسین، کار راه‌اندازی این نهاد در روستاها آغاز گردید؛ بنابراین اولین خانه انصاف به‌طور آزمایشی و موقت در یکی از روستاهای اصفهان، به نام «مهیاری» در مهرماه سال ۱۳۴۲. ش، تأسیس و شروع به فعالیت نمود؛ و این روز را به نام خانه‌های انصاف نام‌گذاری کردند (رحمانی، ۱۳۴۶: ۲۷۸). طبق آمار و اطلاعاتی که در گزارش‌های دولتی آن دوره وجود دارد، دولت تمام تلاش خود را نموده‌است که در بیشتر روستاهای کشور که برنامه اصلاحات ارضی در آن اجرایی گردیده‌است در جهت رفع اختلافات کشاورزان و خوانین، خانه‌های انصاف را تأسیس و به فعالیت بپردازند؛ که در نمودار زیر روند ایجاد و تأسیس این خانه‌های انصاف در سطح کشور مشخص شده‌است.



نمودار ۱. نمودار رشد خانه‌های انصاف از سال ۴۲ تا پایان سال ۱۳۵۰. ش (گزارش دولتی، وزارت دادگستری، ۱۳۵۱: ۳۴)

با این تفصیل، با تأسیس و شروع فعالیت‌های خانه انصاف در روستاهای کشور، بوشهر نیز، از جمله استان‌هایی بود که در روستاهای آن خانه انصاف شروع به تأسیس و فعالیت نمودند.

۳.۲. تشکیل خانه انصاف در روستاهای بوشهر

برای تشکیل خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر، ابتدا وضع روستاهای کشور از سوی دادگستری مورد بررسی کلی قرار می‌گرفت و با در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی و احتیاجات قضایی روستائیان، به تدریج روستاهایی را که در آن‌ها زمینه‌های تشکیل خانه انصاف فراهم بود را تعیین می‌کردند (افشار، ۱۳۴۷: ۱۲). این قانون در جهت اهداف اجتماعی که در اصلاحات ارضی نهفته بود، به منظور ایجاد مرجعی که به اختلافات محلی رسیدگی کند و عدالت را در مناطق روستائین گسترش دهد، به تصویب رسید. قانون تشکیل خانه‌های انصاف محدودیت قوانین گذشته را نداشته و همه روستاها را در برمی‌گرفت. تشکیل آن مقید به زمان و مکان محدود نبود و با جنبه‌های خاص حمایتی و اجتماعی که در برداشت، به منظور کارایی بیشتر در رفاه روستائیان و تأمین اهداف دیگر، شروع به فعالیت نمودند.

در روستاهای بوشهر نیز با اجرایی شدن برنامه اصلاحات ارضی درگیری‌ها و کشمکش‌های بسیاری بین خوانین و کشاورزان و حتی مأموران دولتی صورت گرفت. طبیعتاً با توجه به بالا گرفتن این درگیری‌ها و عدم توانایی حل و فصل آن‌ها توسط ریش‌سفیدان روستاها، روستائیان ناگزیر بودند که به دادگاه‌های واقع در مرکز بخش خود مراجعه کنند؛ بنابراین، برای جلوگیری از ازدحام روستائیان در دادگاه‌های شهری از یک‌سو و کاهش هزینه‌های بالای رفت و آمد این کشاورزان به شهرها، آئین‌نامه مصوب تشکیل خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر نیز عملیاتی گردید.

بنابراین تشکیل خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر می‌توانست مزایای فراوانی را به همراه داشته باشد، برای مثال: ۱. تسریع در رسیدگی به شکایات روستائیان؛ ۲. صرفه‌جویی در وقت و هزینه رفت و آمد به دادگاه بخش یا دادگاه شهرستان که معمولاً فرسنگ‌ها از روستاهای اطراف فاصله داشتند و از سوی دیگر، روستائیان وسیله مناسبی نیز برای رفت و آمد به شهر را نداشتند که این خود معضل بزرگی برای آن‌ها بود؛ ۳. آشنا کردن

روستاییان با روش انتخابات صحیح و مهم‌تر از آن ایجاد یک حس مشارکت اجتماعی و محلی در بین آنان بود که از این طریق آن‌ها می‌توانستند به اهمیت جایگاه اجتماعی خود پی ببرند (راستین، ۱۳۴۷: ۷).

مشارکت اجتماعی جایگاهی است که به تمام افرادی که عضو تمام‌عیار یک جامعه شهری و روستایی هستند، داده می‌شود (حافظ‌نیا، همان: ۵). درواقع، مشارکت، دخالت دادن مردم در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد. مشارکت همواره بر نقش مرکزی مردم در همه زمینه‌های زندگی تأکید دارد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۲).

بدین ترتیب، با توجه به قانون مصوب مجلسین، در روستاهای بوشهر نیز خانه‌های انصاف تأسیس و شروع به فعالیت نمودند. اعضای خانه انصاف در هر روستا، از پنج نفر معتمدان آن روستا و از طرف اهالی روستاها به مدت ۴ سال انتخاب می‌شدند (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۴۷/۰۷۴۶۹/۰۰۲۲). ازجمله شرایط انتخاب شوندگان خانه انصاف شامل ۱. تابعیت ایران؛ ۲. دارا بودن اهلیت قانونی؛ ۳. داشتن حداقل ۳۰ سال تمام؛ ۴. داشتن سابقه ۶ ماه سکونت در روستا؛ ۵. نداشتن پیشینه محکومیت کیفری؛ ۶. معروفیت به صحت عمل و دیانت، بود (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۴۷/۰۷۴۶۹/۰۰۲۳).

مجری انتخابات خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر، بخشداری یا نماینده او بود. گاهی نماینده بخشداری یکی از معتمدان محل بود (ساکما، ۲۹۳/۳۷۷۳۸/۰۰۰۱). یکی از اصول اساسی خانه انصاف این بود که اعضا اصلی برای صدور رأی با رعایت کامل عدالت، عرف و رسوم آن روستا، به‌صورت کدخدامنشانه به حل اختلافات بین روستاییان و صدور رأی عادلانه اقدام کنند (ساکما، ۲۹۳/۱۹۲۵۵/۰۰۰۳). نکته مهمی که در تعیین محل فعالیت خانه انصاف در روستا وجود داشت، این بود که مسافت روستا تا اولین دادگاه بخش و همچنین جمعیت ساکن روستا و روستاهای اطراف آن مهم‌ترین اصل در تعیین محل فعالیت خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر بود (ساکما، ۲۹۳/۸۰۸۵/۰۰۰۷).

در انتخابات روستاهای بوشهر، کدخدای هر روستا که درواقع رابط اصلی بین مردم و دولت بود، با کمک بخشداری برای هر روستا چهار نفر را که مورد اعتماد و تأیید مردم روستا

بودند را معرفی کرده و سپس انتخابات را آغاز می‌کردند (ساکما، ۲۹۳/۳۷۷۳۸/۰۰۰۹). نکته بسیار مهمی که در مورد انتخاب اعضای خانه انصاف در بوشهر وجود داشت این بود که مطابق با قانون انتخاباتی خانه انصاف، شرکت زنان، چه به‌عنوان انتخاب‌شونده و چه به‌عنوان انتخاب‌کننده، در انتخابات آزاد بود. پیرو همین امر، در انتخابات خانه انصاف در روستاهای بوشهر، شاهد حضور زنان در بین اعضا بودند که نمونه آن، حضور مهین‌بانو دیری در بخش دیر و در روستای آبدان به‌عنوان نخستین بانوی عضو خانه انصاف در روستای آبدان به فعالیت پرداخت (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۹/۰۰۰۷) که این بانو به فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی اقدام نمود.

بدین ترتیب، در انتخابات خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر، دولت شاهد حضور فعال و پرشور اهالی روستاها از مرد و زن، در جهت رسیدن به حقوق و برقراری عدالت در روستای خود بود. درواقع، یکی از اساسی‌ترین اهداف تشکیل و فعالیت خانه انصاف، کاهش نفوذ و اقتدار خوانین و مالکین در روستاها بود؛ و با ایجاد این سازمان، محاکم قضایی که تا قبل از تشکیل خانه انصاف توسط خوانین و مالکین هدایت می‌شد، از دست آن‌ها خارج و زیر نظر دولت قرار گرفت (فوران، ۱۳۷۸: ۴۷۷).

رئیس یا دادرس دادگاه بخش بر انتخابات نظارت می‌کرد. محل اخذ رأی در یک مکان و روز معین، بین ۵ تا ۱۰ ساعت انجام می‌شد و پس از شمارش آرا، اعضای اصلی و علی‌البدل معرفی شده و اعتبارنامه آن‌ها از طرف رئیس دادگاه بخش صادر می‌گردید. در صورتی که رئیس دادگاه بخش، عقیده بر عدم صحت انتخابات داشتند، مراتب را به وزارت دادگستری گزارش داده و در صورت اقتضا، انتخابات تجدید می‌شد. پس از پایان انتخابات، خانه انصاف با حضور اهالی روستا و طی تشریفات که متناسب با روستا بود، افتتاح و شروع به کار می‌کردند (مجله عدل/ پهلوی، ۲۱ مهرماه ۱۳۵۱: ۲۵). یکی از نکات اساسی که در انتخابات خانه‌های انصاف روستاهای بوشهر خیلی حائز اهمیت بود، این است که در بحث انتخابات و رأی‌گیری، نماینده فرمانداری و بخشداری و دادگستری نظارت دقیق و اساسی بر روند انتخابات، رأی‌گیری و شمارش آرا داشتند (ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۵۱/۰۰۶۵).

برای نمونه، جهت تأسیس خانه انصاف در روستای کره‌بند از توابع گناوه در تاریخ ۱۳۵۰/۷/۱۲ ش، با حضور معاون بخشداری گناوه و گروه‌بان ژاندارمری گناوه، رأی‌ریزی

انجام شد که کاندیدا هم توسط کدخدا انتخاب شده و پس از رأی‌گیری، ۵ نفر از بین کاندیدها، به‌عنوان شورای خانه انصاف انتخاب شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۱). این گروه از همان تاریخ، فعالیت خود را در روستای کره‌بند آغاز کرده و به حل دعوا و شکایات مردم روستا پرداختند. در بین افرادی که در این جلسات حضور داشتند، می‌توان به اهالی و کشاورزان روستای کره‌بند، شامل ۱. احمد کره‌بندی؛ ۲. عبدالله کره‌بندی؛ ۳. کدخدا؛ ۴. محمدعلی کره‌بندی و... اشاره کرد (ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۳).

هم‌زمان با تشکیل خانه انصاف در روستای کره‌بند، در روستای بندرریگ نیز در همان سال با حضور نماینده بخشدار گناوه و گروهیان ژاندارمری، اخذ رأی در بین افرادی که به‌عنوان کاندیدا معرفی شده بودند، صورت گرفت؛ که از بین آن‌ها نیز ۵ نفر به‌عنوان شورای خانه انصاف روستای بندرریگ انتخاب شدند که آن‌ها نیز کار و فعالیت خود را آغاز نمودند (ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۶).

بنابراین، ازجمله فواید مثبت تشکیل خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر، علاوه بر گسترش مشارکت اجتماعی در جامعه روستایی این منطقه، می‌توانست رسیدگی بدون تشریفات و کدخدامنشانه و همچنین اشراف اعضای خانه انصاف بر ابعاد اجتماعی و محلی دعاوی باشد که به تسهیل روند قضایی و کاهش ارجاع پرونده‌های قضایی روستاییان به دادگاه‌های شهرستان و بخش‌های مرکزی کمک می‌کرد.

بدین ترتیب، در روستاهای بوشهر یکی پس از دیگری خانه انصاف تأسیس و شروع به فعالیت می‌کرد. خانه‌های انصافی که در روستاهای شمالی تأسیس و شروع به فعالیت می‌کردند، بیشترین مراجعه و پرونده نزاع و اختلافات ارضی را به خود اختصاص می‌دادند که این امر نتیجه وجود زمین‌های مرغوب این منطقه بود. برای مثال آقای علی‌باز سعدآبادی از اعضای خانه انصاف سعدآباد، معتقد بودند که بررسی صدها پرونده در مسائل گوناگون خانوادگی تا ارضی، نشان‌دهنده علاقه مردم منطقه به رفع اختلافات در محل و مراجعه به افراد محلی برای امور ارضی خود بوده‌است (کفایی، همان: ۱۸۷). در کلیه روستاهای بخش شمالی که شامل روستاهای دشتستان، گناوه و دیلم می‌شد، همه دارای خانه انصاف بودند که به‌طور فعال به پرونده‌های کشاورزان رسیدگی می‌کرد.

۴.۲. فعالیت‌ها و چالش‌های اساسی خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر

پس از اتمام انتخابات در روستاهای بوشهر، رئیس و سایر اعضا، فعالیت خود را آغاز نموده و به بررسی شکایات و اختلافات ملکی بین کشاورزان پرداختند، اما رؤسای خانه انصاف با توجه به جایگاهی که در روستاها داشتند، به برخی از امور غیرمرتبط هم ورود می‌کردند که برخی اوقات هم‌راستا با اهداف سازمان نبود. نمونه آن، همراهی عباس کره‌بندی (رئیس خانه انصاف کره‌بند) با درخواست محمدحسن جعفری، آموزگار کلاس پیکار، مبنی بر تقسیم مبلغ ۹۰۰۰ تومان پول از سوی دولت بین دانش‌آموزان بی‌بضاعت بود که از سوی اهالی روستا مورد سوءظن قرار گرفته و درخواست ارائه توضیحات شفاف که این مبلغ دقیقاً در چه زمینه‌ای به کار رفته، شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۶/۰۰۲۲)، که همین امر، منجر به تشکیل پرونده قضایی برای وی توسط اهالی روستا شد که در نهایت به برکناری وی از ریاست خانه انصاف آن روستا ختم گردید.

بنابراین، نتیجه تلاش و فعالیت خانه‌های انصاف در راستای احقاق حقوق کشاورزان همواره به یک شکل نبود؛ گاهی به موفقیت می‌انجامید و گاهی این تلاش‌ها به واسطه نفوذ خوانین بی‌نتیجه می‌ماند. برای نمونه، رسیدگی به شکایات اهالی یکی از روستای گناوه، به نام، مال‌خلیفه بود که اهالی روستا از کدخدای روستا شکی بودند؛ زیرا نام‌برده به محدوده زمین آن‌ها تجاوز نموده و با زور و تعدی آن زمین‌ها را به دست گرفته بود. خانه انصاف با همکاری اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بنادر و جزایر خلیج فارس و با ارائه مدرک و سند این مشکل را برطرف نموده و با گرفتن تعهد از این کدخدا مشکل مردم و اهالی روستای موردنظر را برطرف نمود (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۹۴۲/۰۰۰۱). به این نکته اساسی باید اشاره نمود که متأسفانه بیشتر کدخدایان و حتی خوانین، علی‌رغم مشخص شدن زمین کشاورزان، به محدوده ارضی آن‌ها تجاوز نموده و سعی می‌کردند با ترساندن کشاورزان کوچک که رعایای سابقشان بودند، حق آن‌ها را سلب کنند. در این اثنا، خانه انصاف سعی نمود که با رسیدگی به عرایض و شکایات اهالی و کشاورزان آن روستاها این مشکل را برطرف سازند، اما در برخی اوقات خانه انصاف نیز نمی‌توانست این مشکل را به دلیل قدرت و تحکم بالای خوانین و کدخدایان برطرف سازد و در این بین، دادگستری آن شهرستان وارد عمل می‌شد و این مشکل و درگیری را برطرف می‌نمود.

یکی از راهکارهایی که خانه انصاف برای برطرف شدن مشکلات ارضی به روستاییان پیشنهاد می‌داد، تهیه عریضه و استشهادیه بود؛ کشاورزان و اهالی روستایی که شاکی بودند یک عریضه یا استشهادیه را تهیه و اثرانگشت و امضای خود را به‌عنوان شاهد در آن سند قید می‌کردند و با کمک خانه انصاف به پیگیری و برطرف کردن مشکل خود می‌پرداختند و تظلم‌خواهی می‌کردند (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۹۴۲/۰۰۰۵). یکی از موارد اساسی که خانه انصاف به آن می‌پرداخت، مسئله آبیاری نخلستان‌های روستاهای بوشهر بود. سعدآباد و آپبخش ازجمله روستاهایی بودند که اهالی آن در بیشتر مواقع بر سر آبیاری نخلستان باهم دچار اختلاف و حتی درگیری می‌شدند که خانه انصاف برای رعایت عدالت، اقدام به حل‌وفصل اختلاف آن‌ها می‌نمود. از سوی دیگر سازمان آبیاری ایجاد و با رعایت نوبت کلی منطقه و با کمک بازرس و میراب محلی نخلستان را آبیاری می‌کردند (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۴۴۴/۰۰۱۲).

از دیگر وظایف اصلی خانه انصاف در روستاهای بوشهر، حفظ نظم و آرامش و امنیت روستاهای تابع آن‌ها بود. با توجه به تقسیم اراضی‌ای که صورت گرفته بود، اکثر خوانین و زمین‌داران بزرگ، کشاورزانی که تازه زمین‌دار شده بودند را اذیت می‌کردند و حتی گاهی به قتل می‌رساندند. یکی از نمونه‌های این درگیری‌ها، در روستای نظرآقا، ازجمله روستاهای شمالی بوشهر بود که خان روستا یکی از اهالی روستا را با سلاح سرد به‌شدت مورد ضرب و شتم قرار داده بود و به‌دلیل جراحت بسیار زیاد او را به بیمارستان انتقال دادند (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۸/۰۰۰۵). در همین راستا، اهالی روستا و خانواده این کشاورز شکوائیه‌ای تهیه و به خانه انصاف مراجعه نمودند (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۸/۰۰۰۶). اعضا، با وجود اینکه از اهالی و ریش‌سفیدان روستا بودند، تمام تلاش خود را برای حل‌وفصل این درگیری نمودند، ولی به‌دلیل شدت و گسترده شدن، از دست خانه انصاف خارج و به دادگستری شهرستان و فرمانداری ارجاع داده شد (ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۸/۰۰۰۷).

جدول ۱. فعالیت‌های خانه‌انصاف در روستاهای بوشهر (ساکما، ۱۳۹۸/۹۳)

ردیف	نوع فعالیت	میزان فعالیت در روستاهای جنوبی	میزان فعالیت در روستاهای شمالی
۱	مطالبه وجه و مال‌الاجاره	۲۱٪	۴۰٪
۲	ارتکاب قاچاق	۲۰٪	۵۵٪
۳	انحصار و نصب قیم	۳۰٪	۵۲٪
۴	خلع ید	۲۸٪	۶۴٪
۵	تصرف اراضی	۳۱٪	۷۵٪
۶	رفع مزاحمت	۲۳٪	۶۸٪
۷	نوبت‌دهی آبیاری نخلستان	۱۱٪	۸۹٪
۸	حفظ نظم و آرامش روستا	۳۳٪	۶۹٪
۹	اقدامات عمرانی	۴۷٪	۵۴٪

روستاهای دارای خانه‌انصاف در مناطق شمالی استان که شامل دشتستان و گناوه می‌شد، به شرح زیر بود:

جدول ۲. آمار روستاهای دارای خانه‌انصاف در دشتستان، گناوه و دیلم (ساکما، ۱۳۹۳/۰۰۰۴)

ردیف	نام روستا	مرکزیت خانه‌انصاف	جمعیت تقریبی روستا	تاریخ افتتاح
۱	روستای کلر و کمالی	کمالی	کمالی (۲۸۰ نفر) کلر (۲۶۰ نفر)	۱۳۵۳/۷/۲۶
۲	چهار روستایی	چهار روستایی	۱۴۰۰ نفر	۱۳۵۴/۷/۱۰
۳	کره‌بند	کره‌بند	۱۳۵۰ نفر	۱۳۵۴/۷/۱۳
۴	محمد صالحی	محمد صالحی	۵۰۰ نفر	۱۳۵۴/۷/۱۲
۵	مال قائد و مال خلیفه	مال قائد	مال قائد (۳۰۰ نفر) مال خلیفه (۲۸۰ نفر)	۱۳۵۴/۷/۱۲
۶	گمارون	گمارون	۴۵۰ نفر	۱۳۵۴/۷/۱۴
۷	بندرریگ	بندرریگ	۳۷۵۰ نفر	۱۳۵۴/۷/۱۰
۸	فخرآوری	فخرآوری	۵۰۰ نفر	۱۳۵۶/۳/۱۵
۹	شول	شول	۱۵۰۰ نفر	۱۳۵۳/۸/۹
۱۰	تل‌تل	تل‌تل	۴۰۰ نفر	۱۳۵۳/۹/۹

در روستاهای جنوبی بوشهر، مانند دشتی، کاکي، آبدون و... نیز خانه‌های انصاف در روستاهای تابع این بخش‌ها فعالیت خود را آغاز نمودند. در این مناطق، برخلاف روستاهای شمالی، درگیری و اختلافات ارضی کمتر و میزان پرونده‌های ارجاعی به این نهاد اندک بود. دلیل اصلی آن، کم بودن زمین‌های زراعی مرغوب در مقایسه با مناطق شمالی و نیز عدم اولویت کشاورزی و زراعت در اقتصاد مردم این نواحی بود؛ زیرا فعالیت‌های تجاری و دادوستد در این مناطق نسبت به کشاورزی اهمیت بیشتری داشت (علامی، مصاحبه شخصی، همان). با وجود این، خانه انصاف در بسیاری از روستاهای جنوبی شروع به فعالیت کردند. برای نمونه، دیر، آبدون، دوراهک، سرمستان، کنگان، بنک و... از جمله مناطق جنوبی بودند که خانه انصاف در آن‌ها ایجاد و شروع به فعالیت نمود (م. سعیدی، مصاحبه شخصی، اسفند ۱۴۰۰). در روستاهای سرمستان، لوحک، گنوی و کنارترشان، خانه‌های انصاف به ریاست غلامحسین بهشتی و مهدی یوسفی تأسیس و شروع به فعالیت کردند. مهدی یوسفی به عنوان یکی از رؤسای خانه انصاف در این روستاها، فعالیت‌های گسترده‌ای نمود و به اختلافات کشاورزان و مردم این مناطق رسیدگی می‌کرد (کرمی، مصاحبه شخصی، همان). یوسفی در برخی اوقات که پرونده‌ها بسیار بغرنج و غیرقابل رسیدگی می‌شد و حل و فصل آن از عهده آن‌ها و مسئولین خارج می‌گردید، از طریق آقای دکتر طبیب که نماینده مردم آن مناطق در مجلس شورای ملی بود به این پرونده‌ها رسیدگی و آن را حل و فصل می‌نمود (۹۳/۳۲۰/۵۸/۰۰۰۵).

یک نکته اساسی که در مورد فعالیت خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر، حائز اهمیت بود، این بود که علاوه بر گسترش مشارکت و همراهی روستاییان و کشاورزان در جامعه روستایی، منجر به ورود زنان در عرصه اجتماعی برای نخستین بار بود. در برخی از خانه‌های انصاف در این روستاها، شاهد حضور و فعالیت بانوان برای نخستین بار، با وجود محدودیت‌های گسترده اجتماعی، به عنوان اعضای فعال این نهاد بودند. بانوانی که حتی به عنوان نماینده یک روستا و حتی یک بخش و در برخی اوقات نماینده یک شهرستان (شهرستان دیر) با نماینده‌های وزارت دادگستری که از تهران برای بازدید و بررسی عملکرد خانه‌های انصاف در روستاها به فرمانداری‌ها می‌آمدند و جلسه تشکیل می‌دادند، شرکت کرده و به ارائه گزارش و بیان مشکلات روستاییان و کشاورزان به مأمور وزارت دادگستری

می‌پرداختند (م. سعیدی، مصاحبه شخصی، همان) که این خود نشان از تأثیر گسترده این سازمان‌های دولتی بود، که در جریان انقلاب سفید در جامعه روستایی بوشهر، شروع به فعالیت کرده بودند.

عدم مراجعه روستاییان به محاکم رسمی دادگستری در مرکز استان از یک سو و جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه کشاورزان و روستاییان، از سوی دیگر، فرصت کافی در اختیار قضات دادگستری برای پرداختن به دعاوی حقوقی و جرائم مهم به وجود آورد و در نتیجه سرعت عمل توأم با دقت، رفته‌رفته رضایت روستاییان و کشاورزان را در روستاها و مردم در شهرها را به همراه داشت (شهلا، ۱۳۸۰: ۱۰). یکی از گروه‌هایی که در کنار اعضای اصلی خانه انصاف، در انجام امور این سازمان فعالیت داشتند و در امور اداری خانه انصاف در روستاهای بوشهر کمک‌کار اعضا بودند، اعضای سپاه دانش هر منطقه یا بخش موردنظر در روستاهای بوشهر بود (مجله عدل پهلوی، ۲۱ مهرماه ۱۳۵۱: ۲۴).

سپاهیان دانش برحسب قانون، وظایفی در خانه‌های انصاف در روستاها داشتند که شامل: ۱. منشی‌گری خانه‌های انصاف: یکی از دلایل اصلی که از نیروهای سپاه دانش به عنوان منشی این سازمان در روستاهای بوشهر استفاده می‌کردند، این بود که در برخی از روستاها اعضای خانه انصاف بی‌سواد بودند و قدرت نوشتن شکایت مردم را نداشتند، بنابراین روستاییان ابتدا شکایت خود را به صورت شفاهی نزد سپاهی دانش مطرح و سپس آن فرد شکوائیه را تنظیم می‌کرد (مجله عدل پهلوی، ۲۱ مهرماه ۱۳۵۱: ۲۶).

۲. ابلاغ تصمیمات خانه‌های انصاف: پس از صدور حکم از طرف خانه انصاف، سپاهی دانش، حکم را در برگه‌ای ثبت نموده و به امضاء و مهر اعضا می‌رساند و سپس به هر طریقی که مقتضی می‌دانست، رأی را به طرفین دعوی ابلاغ و تفهیم می‌نمود و چنانچه اظهاراتی داشتند، ثبت می‌کردند و مدارک را به دادگاه بخش ارسال می‌کرد (راستین، همان: ۱۴). یک مشکل اساسی که در مورد فعالیت سپاهی دانش در خانه انصاف وجود داشت، عدم آشنایی کامل به موازین قضایی و اصول دادرسی بود و گرچه دادرسی در خانه انصاف تابع تشریفات آئین دادرسی نبود، ولی اعضا خانه انصاف و سپاهی دانش باید به آئین دادرسی کیفری و مدنی آشنایی می‌داشتند. از این رو، باید سپاهیان دانشی که عازم روستاهای بوشهر

می‌شدند، مدتی کارآموزی قضایی می‌دیدند و همچنین وزارت دادگستری و سرپرستی خانه‌های انصاف، عده‌ای از قضات بصیر را به روستاها اعزام می‌کردند که طرز دادرسی و انشای حکم و آیین دادرسی مدنی را به سپاهیان دانش و اعضای خانه انصاف آموزش می‌دادند (ح. زارعی، مصاحبه شخصی، همان و مجله عدل پهلوی، ۲۱ مهرماه ۱۳۵۱: ۳۰).

درنهایت، داوری سنتی درباره اختلافات و صدور رأی در جامعه روستایی بوشهر، در کنار خانه انصاف همچنان وجود داشت. در جامعه روستایی بوشهر که روابط چهره‌به‌چهره و اعضای جامعه با یکدیگر اغلب خویشاوند نسبی و سببی بودند، صدور رأی به محکومیت یک طرف دعوا، همواره موجب ادامه مخاصمه و تشدید آن می‌شد. به همین دلیل ریش‌سفیدان و بزرگان روستاهای بوشهر سعی می‌کردند که این اختلاف و درگیری را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کنند که دشمنی ایجاد نشود. برای نمونه در مواردی که قتلی صورت می‌گرفت، بزرگان روستاها تلاش می‌کردند با ایجاد وصلت زناشویی بین دو خانواده و طایفه و یا پرداخت غرامت به‌صورت جنسی و پولی به دعوا پایان دهند و از خون‌ریزی جلوگیری نمایند (سعیدی، مصاحبه شخصی، همان / کاشفی، مصاحبه شخصی، آبان‌ماه ۱۴۰۳). در کنار این نوع داوری سنتی، نهاد خانه انصاف نیز علی‌رغم داشتن برخی کاستی‌ها، در جامعه روستایی بوشهر تأثیرات مهمی داشت. همان‌طور که در ابتدا اشاره شد، این تأثیرات شامل افزایش مشارکت اجتماعی و ایجاد اعتمادبه‌نفس و داشتن یک جایگاه و هویت در جامعه روستایی از سوی روستاییان و کشاورزان بود که همین امر خود به‌تنهایی باعث ایجاد عزت‌نفس و حس مفید و تأثیرگذار بودن روستاییان شد. همچنین باعث شد که زنان و دختران روستایی بوشهر، علی‌رغم داشتن یک جامعه بسیار بسته، برای نخستین بار وارد فعالیت‌های اجتماعی شده و نقش مهمی در تصمیمات جامعه کوچک خود داشته باشند که همین امر خود به‌تنهایی باعث تشویق سایر زنان و دختران برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی گردید (علامی، مصاحبه شخصی، همان / زارعی، مصاحبه شخصی، همان).

۵.۲. خانه‌های انصاف و خدمات عمومی در روستاهای بوشهر

یک نکته مهمی که در مورد اعضای خانه انصاف وجود داشت، این بود که در برخی از روستاهای جنوبی استان، فرزندان خوانین خود عهده‌دار مسئولیت اداره خانه‌های انصاف در



روستاها می‌شدند و به‌دوراز غرض‌ورزی و رفتار سوء، به رسیدگی امور قضایی روستاییان می‌پرداختند که یک نمونه آن، در منطقه دشتی در نیمه جنوبی بوشهر بود که سهراب خان فرزند داراب خان پورمنصوری، وظیفه اداره خانه انصاف روستاهای سنا و شنبه را برعهده گرفت و بدون هیچ‌گونه سهل‌انگاری به اداره امور این خانه‌های انصاف و حل مشکل روستاییان منطقه می‌پرداخت (منصوری‌منش، مصاحبه شخصی، همان). نکته مهم دیگری که در مورد رؤسای خانه انصاف روستاهای بوشهر می‌توان به آن اشاره کرد، این است که برخی از مدیران خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر، چون خود از ساکنین آن روستاها و معتمد مردم بودند، در کنار رسیدگی به مشکلات قضایی روستاییان، با توجه به آگاهی از وجود مشکلات و کاستی‌ها در روستاهای خود، به انجام امور عمرانی و تعمیر در روستاها نیز می‌پرداختند. یک نمونه آن، محمد کشوری، رئیس خانه انصاف کاکي در جنوب استان بود. او علاوه بر بررسی مشکلات و اختلافات ملکی مردم، به فعالیت عمرانی در منطقه نیز اقدام می‌نمود. کشوری روستاییان را تشویق به شرکت در کلاس‌های آموزشی و سوادآموزی می‌کرد و معتقد بود که برای معرفت و آگاهی نیاز به سواد خواندن و نوشتن است. از سوی دیگر در جریان رعایت نکات بهداشتی نیز تمام سعی و تلاش خود را می‌نمود که مردم را از خرافات و دیدگاه‌های کهنه سنتی دور ساخته و آن‌ها را برای رعایت موارد بهداشتی متمایل نمایند (ح. مرادی، مصاحبه شخصی، تیرماه ۱۴۰۲/علامی، مصاحبه شخصی، همان) محمد کشوری همچنین به تأمین آب شرب مردم منطقه در سال‌هایی که دچار قحطی شده بودند با نامه‌نگاری به مجلس سنا و مجلس شورای ملی، پرداخت. او همچنین به بنای اولین ایستگاه هواشناسی در این منطقه اقدام نمود (برگرفته از اسناد شخصی احمد کشوری).

یکی دیگر از این افراد که علاوه بر رسیدگی به امور روستاییان در خانه انصاف، به امور عمرانی روستا نیز رسیدگی می‌کرد، حاج سردار عدالت در دالکی بود. وی از معتمدین قدیمی این منطقه بود و شغل اصلی وی زراعت و باغداری بود. او وظیفه اداره خانه انصاف دالکی را نیز برعهده داشت. وی در کنار رسیدگی به امور قضایی روستاییان در دالکی، به کارهای عمرانی، همچون انجام لوله‌کشی برای مردم دالکی در اواسط دهه ۴۰ش، با نامه‌نگاری‌هایی به وزارت کشور پرداخت. او موفق شد که آب قابل شرب را از طریق سیستم لوله‌کشی وارد منازل اهالی دالکی نماید (م. آتشی، مصاحبه شخصی، همان/ قلی‌پور، مصاحبه شخصی،

تیرماه ۱۴۰۲). او همچنین به احداث مدرسه نیز در روستاهای دالکی اقدام نمود که به دلیل این اقدامات ارزشمند خود، در بین اهالی این منطقه دارای احترام و ارادت خاصی بود.

محمود بهرامی نیز از جمله افرادی بود که در روستاهای جنوبی بوشهر، به عنوان رئیس خانهٔ انصاف خورموج، در کنار رسیدگی به اختلافات کشاورزان و زمین‌داران روستاهای دشتی، با توجه به شناختی که از وضعیت منطقهٔ خود داشت، به کارهای عمرانی و خدمات اجتماعی بسیاری در منطقه دشتی اقدام نمود. او به عنوان رئیس خانهٔ انصاف خورموج، برای رسیدگی به اختلافات و درگیری‌های مردم روستاهای تابع، به روستاها می‌رفت و جلساتی را به صورت عمومی در بین خود روستاییان به برطرف نمودن اختلافات ملکی و ارضی روستاییان می‌پرداخت و آن را حل و فصل می‌کرد. به نقل از یکی از بزرگان منطقه، بهرامی بارعام می‌داد و به سخنان شاکیان گوش می‌سپرد و با توجه به روابط سببی و نسبی که بین مردم و روستاییان وجود داشت، اختلاف آن‌ها را حل و فصل می‌نمود (بهرامی، مصاحبه شخصی، مهرماه ۱۴۰۳/ح. زارعی، مصاحبه شخصی، همان) و بدین ترتیب سعی می‌کرد که این اختلاف و درگیری به دراز نکشد و به ضرب و شتم و خون‌ریزی ختم نگردد. او در کنار حل و فصل نمودن اختلافات ملکی و ارضی روستاییان به اقدامات عمرانی مهم و بزرگی نیز در منطقه پرداخت که در روند زندگی مردم تأثیر بسیار زیادی داشت. از جمله این اقدامات می‌توان به: ۱. احداث کارخانه گچ؛ ۲. احداث کارخانه یخ؛ ۳. راه‌اندازی شرکت مسافربری مهین‌نورد؛ ۴. ایجاد ۶۳ حلقه چاه در منطقهٔ دشتی (در جهت کشت و زرع و پرورش نخیلات)؛ ۵. ایجاد آسیاب‌های آرد؛ ۶. راه‌اندازی تلمبه‌های بادی به همراه استخر (در جهت تأمین منابع آب مردم منطقه که درگیر قحطی‌های گسترده و کمبود آب‌شده بودند)، اشاره نمود (ح. زارعی، مصاحبه شخصی، همان).

در مجموع، آغاز فعالیت خانهٔ انصاف در روستاهای بوشهر دارای مزایای بسیار زیادی برای جامعه روستایی بوشهر بود. علاوه بر گسترش مشارکت اجتماعی روستاییان و ورود زنان و دختران به فعالیت‌های اجتماعی، باعث توجه بیشتر به امور روستاها از نظر عمران و آبادانی بود که در بیشتر روستاها در شمال و جنوب استان از سوی مسئولین خانهٔ انصاف فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی بسیاری که به نفع روستاییان بود، صورت گرفت. البته ناگفته نماند که در کنار مزایای مثبت بسیار این خانه‌های انصاف در روستاها، در برخی از روستاها نیز از سوی مسئولین این نهاد در جهت حمایت از خوانین و ملاکین بزرگ با گرفتن رشوه،

کارشکنی‌هایی که به ضرر روستاییان بود نیز، صورت می‌گرفت و همین امر عملکرد این خانه‌های انصاف را در برخی از روستاها پایین آورده و از مفید بودن آن به نفع روستاییان و کشاورزان می‌کاست. همین امر منجر می‌شد که خیلی از روستاییان دیگر به اعضای خانه‌انصاف اعتمادی نداشته باشند و برای حل اختلاف و مشکل خود به دادگستری مرکزی رجوع کنند. این امر بیشتر در روستاهای شمالی استان و به‌ویژه دشتستان وجود داشت که رئیس خانه‌انصاف در جهت اهداف خان و زمین‌دار بزرگ آن روستا قدم برمی‌داشت و خیلی از مشکلات و درگیری‌های روستاییان را نادیده می‌گرفت، به‌نحوی که حتی در برخی موارد، این درگیری‌ها به ضرب و شتم و خون‌ریزی بین روستاییان و حتی با مالک ختم می‌شد (علامی، مصاحبه شخصی، همان). بنابراین، این نهاد نیز در کنار مزایا و فواید بسیاری که برای روستاییان و کشاورزان با خود به همراه داشت، در برخی از مناطق و روستاهای استان نیز به دلیل همراهی با خوانین و ملاکین بزرگ در ازای گرفتن ملک و زمین، آسیب‌های بسیاری را بر روستاییان و کشاورزان وارد نمودند.

یافته‌های پژوهش درباره «خانه‌های انصاف» در روستاهای استان بوشهر را می‌توان در قالب یک تحلیل گونه‌شناختی و با رویکرد تاریخی-اجتماعی به‌صورت زیر دسته‌بندی و تحلیل کرد:

۱. گونه‌شناسی رؤسای خانه‌های انصاف از نظر پیشینه و عملکرد

ردیف	تأثیر اجتماعی	ویژگی‌های کلیدی	نمونه‌های موردی	گونه مدیر
۱	کاهش تنش‌های محلی - ایجاد پیوند بین نهاد سنتی (خانی) و نهاد نوین (خانه‌انصاف)	تعلق به خاندان محلی - اداره بی‌طرفانه و بدون غرض - حل اختلافات با تکیه بر اعتبار خانوادگی	سهراب خان پورمنصوری (منطقه دشتی)	فرزندان خوانین (اشراف محلی)
۲	ارتقای کیفیت زندگی روستاییان - تقویت مشارکت جمعی و حس تعلق - کاهش وابستگی به دولت مرکزی	شناخت عمیق از مشکلات محلی - ترکیب مسئولیت قضایی با اقدامات عمرانی و فرهنگی - استفاده از نفوذ برای بهبود زیرساخت‌ها (آب، مدرسه، بهداشت)	محمد کشوری (کاکلی) حاج سردار عدالت (دالکی) محمود بهرامی (خورموج)	معتدین محلی (روستاییان صاحب نفوذ)
۳	افزایش خشونت‌های محلی - مراجعه مستقیم روستاییان به دادگستری مرکزی - تثبیت نابرابری‌های اجتماعی	دریافت رشوه از مالکان بزرگ - نادیده گرفتن اختلافات روستاییان - تضعیف اعتماد عمومی به نهاد	(نمونه‌های شمال استان، به‌ویژه دشتستان)	مدیران فاسد/وابسته به مالکان

۲. تحلیل کارکردهای چندگانهٔ خانه‌های انصاف

ردیف	نمونه‌های عینی از متن	شرح	کارکرد
۱	برگزاری جلسات عمومی در روستاها (بهرامی) - جلوگیری از طولانی شدن اختلافات و خشونت	رسیدگی به دعاوی ملکی، ارضی و خانوادگی در سطح روستا	کارکرد قضایی - حل اختلاف
۲	لوله‌کشی آب شرب در دالکی (حاج سردار عدالت) - احداث کارخانه گچ و یخ، حفر چاه‌های کشاورزی (بهرامی)	بهبود زیرساخت‌های روستایی (آبرسانی، مدرسه‌سازی، راه‌اندازی صنایع کوچک)	کارکرد عمرانی - خدمات‌رسانی
۳	تشویق به شرکت در کلاس‌های سوادآموزی (کشوری) - ترویج نکات بهداشتی و مقابله با دیدگاه‌های سنتی	ترویج سوادآموزی، آموزش بهداشت، دور کردن از خرافات	کارکرد آموزشی - فرهنگی
۴	نامه‌نگاری به مجلس برای تأمین آب در زمان قحطی (کشوری) - مکاتبه با وزارت کشور برای انجام پروژه‌های عمرانی	ایجاد پل ارتباطی بین روستاییان و نهادهای دولتی (مجلس، وزارت کشور)	کارکرد ارتباطی - میانجی‌گری

درمجموع، خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر نهادی دوگانه بودند که هم‌زمان ظرفیت‌های مثبت (حل اختلاف، خدمات‌رسانی، مشارکت‌جویی) و آسیب‌های منفی (فساد، وابستگی به مالکان) را در خود جای داده بودند. این دوگانگی ناشی از تنوع گونه‌شناختی مدیران و تفاوت‌های ساختاری مناطق بود. از منظر اجتماعی، این نهاد نشان‌دهندهٔ گذار ناقص از ساختارهای قضایی-اجتماعی سنتی به نظام مدرن دولتی است؛ گذاری که در آن عناصر محلی (اعتبار شخصی، شناخت بومی) می‌توانستند هم تسهیل‌گر و هم مانع تحولات اجتماعی باشند.

۳. نتیجه

در بستر اصلاحات قضایی دههٔ ۱۳۴۰، تجربهٔ خانه‌های انصاف در روستاهای بوشهر از منظر جامعه‌شناسی قضایی و حکمرانی محلی، نمونه‌ای مهم از پتانسیل مشارکت اجتماعی تحت حمایت قانون به شمار می‌آید. تأثیر مثبت این نهاد در بوشهر را می‌توان نه در استقلال کامل ساختاری، بلکه در تحول فرایندی و کارکردی آن در سطح اجتماع تحلیل کرد: مهم‌ترین دستاورد خانه‌های انصاف، ایجاد سازوکاری برای مشارکت مردمی انتخابی (مردم‌سالارانه) بود. این فرایند دو اثر کلیدی داشت:

- کاهش فاصله نهادی: انتخاب اعضای خانه انصاف از میان خود روستاییان، منجر به اعتمادزایی بیشتر نسبت به فرایند حل اختلاف می‌شد. این نهاد دیگر یک ساختار قضایی تحمیلی از سوی مرکز نبود، بلکه نمایندگی از اجتماع محلی محسوب می‌شد.
 - توسعه کنشگری اجتماعی: فرایند انتخابات و رأی‌گیری به تقویت انگیزه و مشارکت همگانی در امور عمومی انجامید. این امر، در محیط سنتی‌ای که امور توسط بزرگان یا کدخدایان تعیین می‌شد، زمینه‌ساز ظهور نوعی از کنشگری مدنی شد و روستاییان را به جایگاه مشارکت‌کنندگان فعال در اجرای عدالت ارتقا داد.
- خانه‌های انصاف با اتکا به دانش بومی و نزدیکی به محل مناقشه، به‌طور مؤثری در کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات اجتماعی عمل کردند.
- عدالت دسترسی‌پذیر: این نهادها، عدالت را از دادگاه‌های دوردست و هزینه‌بر به درون روستا آوردند که این امر برای گروه‌های کم‌درآمد یک مزیت اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شد. سرعت و سادگی فرایند حل دعاوی کوچک (تا سقف ۲۰۰ ریال) از تراکم پرونده‌ها در مراجع بالاتر می‌کاست و به رضایت‌مندی عمومی کمک می‌کرد.
 - تغییر توازن قدرت: با وجود کارشکنی‌ها و نظارت شدید دولتی و سنتی، صرف تأسیس این خانه‌ها نشان‌دهنده چالش جدی در برابر سلطه انحصاری قدرت سنتی (خوانین، کدخدایان) بر فرایند قضاوت و میانجی‌گری بود. افزایش انگیزه روستاییان برای حل اختلاف از طریق سازوکار جدید، به تدریج پایگاه اجتماعی قدرت‌های سنتی را تضعیف می‌کرد.
- تجربه بوشهر تأیید می‌کند که تأثیر مثبت یک نهاد، لزوماً به استقلال مطلق ساختاری آن وابسته نیست. در بوشهر، خانه‌های انصاف با وجود چالش‌های جدی نظارتی و کارشکنی‌ها، توانستند یک سکوی محلی برای دموکراتیزاسیون فرایندی و تولید سرمایه اجتماعی ایجاد کنند. این نهادها در کوتاه‌مدت، ابزاری شدند که روستاییان از طریق آن توانستند برای نخستین بار به‌طور جمعی و قانونی، بخشی از قدرت حل مناقشات جامعه خود را در دست بگیرند و این خود یک دستاورد اجتماعی غیرقابل انکار محسوب می‌شود.

پیوست‌ها

پیوست ۱. اسامی رأی‌دهندگان به اعضای خانه انصاف در روستاهای گناوه
(ساکما، ۶۷/۰۰۹۸۵/۳۵۵/۳۲۰)

صورت‌رای دهندگان قریه						
ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شماره شناسنامه	تاریخ تولد به سال	محل اقامت یا قریه انکشت
۱	میرحی	مردی	میرحی	۵۴۴	۱۳۴۰	
۲	ناصر	زارعی	ع	۲۰	۱۳۳۶	
۳	سیدحی	میرحی	سیدحی	۲۷۹	۱۳۹۱	
۴	میرحی	حاجی پور	میرحی	۱۵۱	۱۳۰۲	
۵	رضی	زارعی	میرحی	۲۰۱	۱۳۸۴	
۶	احمد	استوری	احمد	۸۸	۱۳۱۰	
۷	الداله	مردی	میرحی	۸۴	۱۳۴۰	
۸	میرحی	زارعی	حیدر	۱۲۵	۱۳۴۰	
۹	علی	احمدزاده	علی	۱۲۶	۱۳۴۰	
۱۰	علی	زارعی	حیدر	۴	۱۳۳۴	
۱۱	میرحی	میرحی	حیدر	۳۲۸	۱۳۷۵	
۱۲	میرحی	مردی	میرحی	۵۷۴	۱۳۳۶	
۱۳	سیداسلام	سیدحی	سیدحی	۴۲۵	۱۳۱۸	
۱۴	میرحی	تندور	میرحی	۳۸۱	۱۳۹۱	
۱۵	میرحی	میرحی	میرحی	۷۱۰	۱۳۱۵	
۱۶	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۳۱۱	۱۳۳۴	
۱۷	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۷۱۱	۱۳۱۵	
۱۸	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۳۵۸	۱۳۳۴	
۱۹	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۳۰۷	۱۳۳۴	
۲۰	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۱۹۵	۱۳۱۶	
۲۱	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۲۰۲	۱۳۳۴	
۲۲	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۲۱۳	۱۳۰۱	
۲۳	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۳۸۰	۱۳۸۲	
۲۴	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۱۱۰	۱۳۸۶	
۲۵	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۱	۱۳۱۶	
۲۶	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۷۵	۱۳۷۵	
۲۷	سیداحمد	سیدحی	سیدحی	۱۳۷	۱۳۰۱	

پیوست ۲. شکوائیه اهالی روستای کره‌بند بندرریگ از کارشکنی در انتخابات خانهٔ انصاف (ساکما، ۱۳۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۳)

[illegible]

پیوست ۴. فعالیت خانه انصاف در روستاهای دشتی در دوره پهلوی دوم به ریاست محمود بهرامی (برگرفته از آرشیو شخصی حسین بهرامی)



منابع

الف) کتاب‌ها

- اشرف، احمد، بنوعیزی، علی (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی (دولت و انقلاب در ایران)*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵). *انقلاب سفید*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- رحمانی، ابوالقاسم (۱۳۴۶). *انقلاب سفید در سیمای میهن (راهنمای سپاهیان انقلاب)*، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.
- زرنگ، محمد (۱۳۸۱). *تحول نظام قضایی ایران*، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زنده، حسن (۱۳۹۲). *تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). *سیاحت‌نامه*، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فوران، جان (۱۳۷۸). *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- لمبتون، آن. ک.س (۱۳۷۷). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نی.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۷). *حقوق کیفری کشورهای اسلامی در تعامل شرع و حقوق*، تهران: سهامی انتشار.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۵۰). *تاریخ دادگستری در ایران*، تهران: وحید.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۱). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه.
- وثوقی، منصور (۱۳۶۸). *جامعه‌شناسی روستایی ایران*، تهران: کیهان.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: معین.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۷). *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

ب) مقالات

- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ پارسایی، اسماعیل و حسین پورپویان، رضا (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: خانه انصاف و شورای حل اختلاف)، *پژوهش‌های جغرافیایی و انسانی*، (۷۷)، ۱۴۵-۱۶۴.
 - حسینی تهرانی، مرتضی (۱۳۲۹. ش)، تشخیص اموال عمومی از خالصجات، *کانون وکلا*، (۱)، ۱۶-۱۷.
 - راستین، منصور (۱۳۴۷)، «اداره امور خانه انصاف»، *تلاش*، (۹)، ۳۹-۴۳.
 - سجادی، نجمه و بیگدلی، علی (۱۴۰۴)، ظهور و تکوین تکنوکراسی در حکومت محمدرضا شاه پهلوی، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۶(۴۳)، ۱۰۱-۱۲۴.
- Doi: 10.22034/JIIPH.2025.63780.2538
- شریف، علی‌اصغر (۱۳۴۳)، طلعه خانه انصاف، *کانون وکلا*، (۹۳)، ۱۸-۲۸.
 - شهلا، مهدی (بی‌تا)، خانه انصاف، *کانون وکلا*، تهران: وزارت دادگستری، (۶۷)، ۶۷-۷۶.
 - فتحی‌پور، علی (۱۳۴۲)، طرح قانون تشکیل خانه انصاف در دهات، *کانون وکلا*، (۸۶)، ۸۶-۹۴.
 - نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۰)، جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، *مدیریت شهری و روستایی*، (۵)، ۶-۱۵.

ج) روزنامه

- *رستاخیز*، دوشنبه، ۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۴، شماره ۲۲۴.
- *عدل پهلوی*، وزارت دادگستری، ویژه‌نامه سالروز خانه‌های انصاف، ۲۱ مهرماه سال ۱۳۵۱.

د) مصاحبه

- آتشی، مسعود، استان بوشهر، شهرستان دشتستان، شهر برازجان، اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۳ ش.
- بهرامی، حسین، استان بوشهر، شهرستان دشتی، شهر خورموج، مهرماه سال ۱۴۰۳ ش.
- زارعی، حمید، استان بوشهر، شهرستان دشتی، شهر خورموج، شهریورماه سال ۱۴۰۳ ش.

- سعیدی، محمود، استان بوشهر، شهرستان دیر، شهر آبدون، اسفندماه سال ۱۴۰۰ ش.
- علامی، رضا، استان بوشهر، شهر بوشهر، مردادماه سال ۱۴۰۲ ش.
- قلی‌پور، استان بوشهر، شهرستان دشتستان، شهر شبانکاره، تیرماه سال ۱۴۰۲ ش.
- کاشفی، جمال، استان بوشهر شهرستان دشتی، شهر خورموج، آبان ماه سال ۱۴۰۳ ش.
- مرادی، حبیب، استان بوشهر، شهرستان دشتی، شهر کاکي، تیرماه سال ۱۴۰۲ ش.
- منصوری منش، جمال، استان بوشهر، شهرستان دشتی، شهر خورموج، تیرماه سال ۱۴۰۲ ش.

ذ) اسناد

اسناد منتشرنشده

- ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۹۴۲/۰۰۰۱
- ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۱
- ساکما، ۲۹۳/۳۷۷۳۸/۰۰۰۱
- ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۳
- ساکما، ۲۹۳/۱۹۲۵۵/۰۰۰۳
- ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۶/۰۰۰۴
- ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۸/۰۰۰۵
- ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۴۴۴/۰۰۰۵
- ساکما، ۹۳/۳۲۰/۵۸/۰۰۰۵
- ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۵/۰۰۰۶
- ساکما، ۳۴۰/۶۱۸۸/۰۰۰۶
- ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۸/۰۰۰۷
- ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۲۱۹/۰۰۰۷
- ساکما، ۲۹۳/۸۰۸۵/۰۰۰۷

- ساکما، ۲۹۳/۳۷۷۳۸/۰۰۰۹
- ساکما، ۲۹۳/۱۲۵۴۴۴/۰۰۱۲
- ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۳۶/۰۰۲۲
- ساکما، ۲۹۳/۱۳۱۳۵۱/۰۰۰۶۵

اسناد منتشر شده

- گزارش دولتی (۱۳۴۴)، *قانون تشکیل خانه انصاف و آئین‌نامه‌های آن*، وزارت دادگستری، تهران.
- گزارش دولتی (۱۳۴۷)، *قانون تشکیل خانه انصاف و آئین‌نامه‌های مربوط به آن*، وزارت دادگستری، تهران.
- *مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی* (بی‌تا)، مجلس شورای اسلامی، تهران.
- *مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی* (۱۳۳۷. ش)، مجموعه قوانین و مصوبات سال ۱۳۳۷. ش، مجلس شورای اسلامی، تهران.
- *مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی* (۱۳۳۷. ش)، مجموعه قوانین و مصوبات سال ۱۳۳۷. ش، مجلس شورای اسلامی، تهران.